



غبار بی تدبیری

بحران در خوزستان به اوج خود رسید

سرمقاله

بی شعور!

توهین و تحقیر همواره از صفات مذموم شناخته می‌شود. به خصوص اگر از طرف شخص بلندبالا و معروفی صورت بگیرد.

چند روز پیش کلیبی در فضای مجازی منتشر شد که در آن وزیر بهداشت به یکی از فرمانداران استان ایلام توهین نموده و وی را بی شعور خطاب کرده و تهدید به برکناری کرده بود!

در وهله‌ی اول، مقامات مسئول موضوع را تکذیب کردند اما با انتشار فیلم مربوطه، تکذیبیه شان هم دوامی نیافت. اما ساعتی بعد، کلیپ دیگری مبنی بر عذرخواهی وزیر بهداشت از فرماندار مربوطه منتشر شد که بسیار مضحک بود. چراکه در این کلیپ، فرماندار به گونه‌ای از وزیر عذرخواهی می‌کرد که انگار او به وزیر توهین کرده نه بالعکس!

اما این اولین توهین وزیر بهداشت نبود. چند ماه قبل نیز وزیر بهداشت با جملات کنایه‌ای و نیش دار و تمسخرآمیز، به سرداران حرم و علم و قلم و ائمه‌ی جمعه سراسر کشور توهین کرده بود که با واکنش شدید مردم روبرو شد. اما ظاهراً آن توهین درس عبرتی برای وزیر نشد و اینبار نیز اقدام خود را تکرار کرد.

شاید وزیر بهداشت توصیه‌ی امام را فراموش کرده است. آنجا که امام مسلمین فرمود که مردم ولی نعمت ما هستند و اینها بودند که ما را وزیر و وکیل و رئیس جمهور کردند.

اما وزیر بهداشت به این توصیه‌ی امام مستضعفان توجهی نکرد و اعتراض فرمانداری که مشکلات بهداشتی مردم محرومش را مطالبه نموده بود با تهدید و تحقیر پاسخ داد.

البته لازم به ذکر است که آقای هاشمی اولین دولت‌مردی نیست که به مردم توهین می‌کند. بلکه مقامات بالاتر از او هم بارها و بارها با الفاظی همچون بی‌شناسنامه و بزدل و به جهنم رفته و ... از خجالت مردم و منتقدان در آمده‌اند!

امید است که دیگر چنین بی‌اخلاقی‌ها و توهین‌هایی از سوی دولت‌مردان نیینیم.

غبار بی تدبیری

بحران در خوزستان به اوج خود رسید

عراق به منظور کاهش مشکلات مردم خوزستان اتخاذ کرده است؟

رد پای داعش در بحران خوزستان!

خانم ابتکار رئیس سازمان محیط زیست کشور اخیراً داعش را یکی از علت‌های بحران خوزستان اعلام کرده است! در پاسخ باید گفت طبق مطالعات انجام شده منشا گرد و غبار در بهمن ماه سال جاری همچون بهمن ماه ۱۳۹۳، بادهای جنوبی بوده است. این بادهای پس از ورود به جنوب خوزستان با توجه به بارگیری از منابع گرد و غبار داخلی باعث وضعیت فعلی شدند و می‌توان گفت شرایط فعلی دارای منشا داخلی است که علت آن خشک شدن تالاب‌های داخلی مانند شادگان و هورالعظیم است.

تالاب‌های داخلی

در تابستان سال جاری از اردیبهشت تا مردادماه مقدار آبی که در تالاب شادگان جریان داشته صفر بوده است. تالابی که امرار و معاش مردم منطقه از آن تامین می‌گردد. خانم ابتکار در نشست کارگروه ملی مقابله با ریزگردها و شورای اداری گفته بود: «به دلیل یکسری سیاست‌های نادرست، تالاب هورالعظیم به طور کامل خشک شده بود و اکنون با هماهنگی وزارت نفت و نیرو، آب بر روی تالاب باز شده و مردم در آن مشغول ماهیگیری هستند!» در پایان سخنان ابتکار، علی ساری نماینده مردم خوزستان از جای خود برخاست و با صدای بلند خطاب به ابتکار فریاد زد: «کجای هورالعظیم آب دارد که ما نمی‌بینیم؟» نماینده مردم خوزستان پس از بیان اظهارات خود جلسه را به نشانه اعتراض ترک کرد.

وعده‌های دولت برای حل بحران

اخیراً محمود حجتی وزیر کشاورزی دولت یازدهم بیان داشت که نهال کاری برای تقویت پوشش گیاهی در کانون‌های گرد و غبار، یک ماه بیشتر زمان نمی‌برد.

ادامه در صفحه ۲

نداده است. حتی دولت در ابتدای بحران بیانیه‌ای جهت همدردی با مردم خوزستان نیز صادر نکرد درحالیکه رئیس جمهور بلافاصله پس از پیروزی تیم کشتی پیام صادر کرد اما در برابر بحران خوزستان اقدامی برای همدردی با مردم خوزستان انجام نداد.

در دولت قبل عمده‌ی گردوخاکی که در خوزستان مشکل آفرین بود، منشا خارجی داشت و از سمت عراق بود... اما اکنون عوامل داخلی و تالاب شادگان و هورالعظیم هستند که زمینه‌ساز اصلی بحران خوزستان شده‌اند.

س: وزیر کشاورزی طرح کاشت نهال برای رفع بحران در پایان یک ماه را ارائه داده است. آیا این امر مفید خواهد بود؟
پ: کاشت نهال پروسه‌ای طولانی است. یعنی اینگونه نیست که امروز نهال بکاریم و یک ماه دیگر مشکل حل شود. زمان دولت قبل هم کاشت نهال و مالچ پاشی و ... انجام می‌شد اما موجب حل مشکل نمی‌شد. الان هم این طرح جواب نخواهد داد.

س: وضعیت سلامتی مردم در اهواز چگونه است؟
پ: وضعیت اهواز الان بگونه‌ای است که بیمارستان‌ها کاملاً شلوغ شده‌اند و دیگر بیمار قبول نمی‌کنند و اورژانس آنها نیز پر از بیمار است.
باتشکر از شما بخاطر وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

علت بحران در خوزستان

یکی از علت‌های اصلی ایجاد بحران خوزستان که در دولت‌های قبلی نیز وجود داشت و پس از گذشت حدود ۴ سال از عمر دولت تدبیر و امید اکنون نیز شاهد آن هستیم، خشک شدن تالاب‌های بین‌النهرین است که در منتهی‌الیه رودخانه‌های کرخه و دجله و فرات قرار دارند. در ۴۰ سال گذشته، ترکیه و عراق ۳۲ سد بزرگ روی رودخانه‌های دجله و فرات احداث کرده‌اند و موجب خشکی این منطقه شده‌اند. حال سوال اینجاست دولتی که داعیه‌دار تعامل سازنده با جهان می‌باشد چه تدبیری در راستای تعامل با ترکیه و

امیرحسین حبیب زاده - محمدرضا رضایی: بعد از بی تدبیری‌های دولت مردان، بحران گرد و خاک در خوزستان تبدیل به مسئله‌ای ملی شده است. بحرانی که موجب قطع آب و برق در خوزستان شده است.

بدین منظور با آقای ماهان باباحمدی یکی از دانشجویان اهوازی دانشگاه مصاحبه‌ای کوتاه انجام دادیم:

س: آقای باباحمدی! شما اهوازی هستید. چقدر مشکل اهواز و شهرهای اطراف آن جدی است؟

پ: بحرانی که در چند هفته‌ی اخیر در اهواز و شهرهای اطراف آن بوجود آمده بسیار جدی است. بطوریکه مدارس و دانشگاه‌ها چندین روز در هفته تعطیل می‌شدند. در اوایل بهمن ماه امسال نیز بخاطر گردوخاک شدید، پروازها کنسل شدند و آب و برق اهواز نیز قطع شد. به نظر من، علت اصلی بحران‌های اخیر خوزستان، خشکی تالاب شادگان است. تالابی که اخیراً خانم ابتکار گفته بودند که آنجا مشکلی وجود ندارد و ماهیگیری نیز در آنجا طبق روال عادی انجام می‌شود! درحالیکه هرگز اینطور نیست و اوضاع بدتر هم شده است. بطوریکه نماینده‌ی اهواز نیز اعتراض جدی‌ای نسبت به خانم ابتکار ابراز داشت.

س: وضعیت زیست محیطی اهواز نسبت به ۴-۵ سال اخیر بهتر شده است یا بدتر؟

پ: الان اوضاع اصلاً بهتر نشده است. در دولت قبل عمده‌ی گردوخاکی که در خوزستان مشکل آفرین بود، منشا خارجی داشت و از سمت عراق بود. اما اکنون این عامل کم‌رنگ‌تر شده است هرچند حذف نشده. اما اکنون عوامل داخلی و تالاب شادگان و هورالعظیم هستند که زمینه‌ساز اصلی بحران خوزستان شده‌اند. چراکه دولت برای استخراج نفت، آب این تالاب‌ها را خالی کرده است و بدین ترتیب، این تالاب‌ها تبدیل به کانون گرد و خاک در خوزستان شده‌اند. سالهای قبل کمتر رخ می‌داد که در پی گردوخاک موجود، آب و برق منطقه قطع شود. اما در چند هفته‌ی اخیر این اتفاق به وفور رخ داد.

س: آیا دولت اقدام خاصی جهت حل این مشکلات انجام داده است؟

پ: تاجایی که من اطلاع دارم، واقعا اقدام خاصی انجام

حقوق عمومی، ارمان فراکسیون امید در خانه دولت

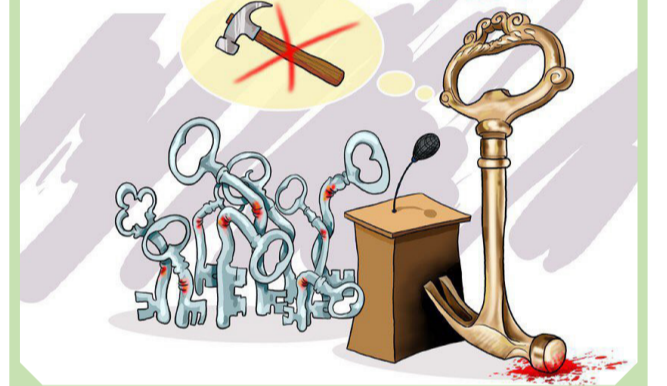
چندی پیش در کمال ناباوری با امضا و حمایت قاطع برخی از نمایندگان اصلاح طلب فراکسیون امید، افراد شناخته شده‌ای همچون عارف، علی مطهری، محمود صادقی و مصطفی کواکبانی طرحی با عنوان «تأمین امنیت برگزاری مراسم رسمی، عرفی و معمولی» ارائه شد که خبر آن در فضای فکری جامعه، تعجب همگان را برانگیخت و با اعتراض‌های برخی مسئولان متعهد و کاربران فضای مجازی نیز همراه بود.

بند اصلی و تعیین کننده آن بدین شرح است: «هر کسی با هر اقدامی اعم از طرح سوال و یا غیر آن در مراسم سخنرانی اعم از مراسم رسمی که عرفاً بدون مجوز تشکیل می شود، موجب توقف یا جلب توجه به خود و یا تشنج شود به حبس از ۶ ماه تا دو سال محکوم میگردد.»

نکته قابل توجه در این طرح، تفاوت قائل نشدن بین «پرسیدن سوال» و «اخلال در مراسم» است. این طرح قطعاً با شعار «توسعه سیاسی» و «زنده باد مخالف من» و «آزادی بیان» مورد نظر آقایان در تعارض جدی است.

در سوابق سران این جریان اظهار نظرهای بدون مبنای متعددی در موضوعاتی که اکثر از رسانه‌های ضد انقلاب خارج نشین با اهداف صرفاً سیاسی مطرح می شود، قابل تامل است. افرادی چون علی مطهری و محمود صادقی که گویا در بزنگاه‌هایی ماموریت دارند به نهادهای انقلابی و ارزش های نظام اسلامی حمله کنند. چطور می شود تصور کرد آقای محمود صادقی که خود را مدعی افشاگری جا می زند و بدون ارائه مستندات لازم رئیس قوه قضاییه را با سوالاتی کاملاً اتهام برانگیز متهم به فساد می کند، حالا پرسیدن سوال را جرم قانونی با مجازات ۶ ماه تا ۲ سال تلقی کند؟! گویا یادش رفته است که هنگام ارائه مستندات در خانه اش پنهان شده بود و به هیاهوی رسانه‌ای می پرداخت!

#دوفوریتی



مشخص نیست در این برهه از زمان که به فرمایش رهبر انقلاب در زمان شروع کار دولت یازدهم (۹۲/۶/۶) به تعبیری «فصل برداشت» است، چرا ناگهان سوال پرسیدن جرم تلقی می شود؟ به عبارتی اکنون مردم به چه طریق مطالبات خود را پیگیری کنند؟! وعده‌ها بر زمین مانده و کارنامه قریب به ۴ ساله دولت آقای روحانی «تقریباً هیچ» است. پرخاشگری رئیس جمهور و مسئولان دولتی نیز افزایش یافته است. ناکارآمدی های موجود صدای مردم را در آورده، پس ناچاراً لیست امید که دست پخت «تکرار می کنم» یکی از سران فتنه در انتخابات ۹۴ است، عرصه را تنگ می بیند و در اقدامی تاسف برانگیز دوباره اثبات می کند که شعار «آزادی بیان» و راه انداختن سناریوی «حقوق شهروندی» صرفاً یک تاکتیک جهت فریب افکار عمومی است و در راستای منافع این جریان تلقی می شود نه با هدف مطالبه حقوق مردمی که اکنون در استان هایی همچون خوزستان و سیستان و بلوچستان و بسیاری از نقاط دیگر از حداقل حقوق خود محروم هستند!

تامل در سیر تاریخی جریان دوم خرداد، بحران هویتی این گفتمان را به شدت آشکار می کند. دهن کجی به «جمهوریت» و «اسلامیت» نظام در انتخابات ۸۸ و پادویی برای بیگانگان با هدف سهم خواهی از قدرت، چهره‌ی واقعی شان را در مقابل ژست دموکراسی خواهی برای همگان آشکار کرد. اقداماتی که حتی با منافع ملی به شدت تعارض داشت و حاصلش دادن کد «تحریم‌های فلج کننده» به دشمن و انتقام مستقیم از مردم بود.

اکنون اوضاع فاجعه بارتر هم شده است. آقایان اعتدال و اصولگرایان خسته‌ای که خیلی وقت است از اصول اصلی انقلاب فاصله گرفته‌اند، همگان با فراکسیون امید در پشت درهای بسته مناسبات ملت را رقم می زنند. تصویب «حقوق های نجومی» توسط مجلس دهم به ریاست علی لاریجانی و حمایت فراکسیون امید در نوع خود شاهکار عجیبی بود. تصورش را بکنید یک مدیر دولتی می تواند معادل ۲۴ میلیون تومان در ماه (روزانه ۸۰۰ هزار تومان معادل حقوق یک ماه یک کارگر) بصورت قانونی حقوق بگیرد! اقدامی که با اجرای آن، فاتحه‌ی عدالت اجتماعی خوانده خواهد شد و این نتیجه‌ی اندیشه‌ی لیبرال-سرمایه داری و اشرافی گری است که مروج اصلی آن، دولت سازندگی بود.

از نمایندگان که بجای نظارت بر دولت و مبارزه با ناکارآمدی‌ها فقط نقش «ضربه گیر دولت» را ایفا می کنند، دفاع از حقوق ملت انتظار نابعایی است. زین پس «خانه‌ی ملت» را باید «خانه‌ی دولت» نامید.

غبار بی تدبیری

رئیس جمهور در نشست مشترک کار گروه ملی مقابله با ریزگردها و شورای اداری با اشاره به اینکه در روایات آمده اگر امر به معروف را زیر پا گذاشتی و منکر ترویج شد عذاب الهی نازل می شود، تأکید کرد: «برخی عذاب‌ها همین هایی هست که می بینیم.»

به نظر می رسد گردن دولت قبل دیگر جا



ندارد و دولت مردان به اصطلاح تدبیر این بار مشکل را به گردن خدا و عذابهایش انداختند! حال سوال اینجاست که اگر عذاب الهی در میان باشد، این عذاب به رفتار مردم شریف خوزستان بر می گردد یا ناکارآمدی دولت؟

به نظر می رسد ادعای دولت مبنی بر مقصر دانستن دولت قبل و داعش با وجود اینکه حدود ۴ سال از عمر دولت می گذرد چندان دردی از مردم خوزستان دوا نمی کند. از زمان وعده‌های حسن روحانی در انتخابات ۹۲ به مردم خوزستان درباره تخصیص ۳ درصد از درآمدهای فروش نفت به این استان برای حل معضلات اساسی شامل ریزگردها، آب و فاضلاب و اشتغال چیزی حدود ۴ سال می گذرد اما مردم در عمل چیزی ندیدند. به نظر می رسد حل مشکلات اصلی مردم خوزستان از جمله معضل آب و هوا راهکار انتخاباتی مناسب تری برای دولت باشد تا توزیع کنسرو رایگان در خوزستان چند ماه قبل از انتخابات!

پرفسور کردوانی پدر علم کویرشناسی ایران ضمن هشدار به مسئولین می گوید: «برای تثبیت ریزگردها نباید سد ساخت و یا جنگل کاری کرد و یا مالچ پاشید، چرا که بکارگیری این روش‌ها برای کنترل ریزگردها اشتباه محض بوده و هیچ فایده‌ای هم به دنبال نخواهد داشت.» پدر علم کویرشناسی ایران در ادامه، راهکار مهار ریزگردها را اینگونه بیان می کند: «برای مهار ریزگردها می توان یک راهکار درست و دقیق را عملی کرد و آن هم استفاده از ریگهای روان آبپایی است که از کشور ما به کشور عراق سرریز می شود و استفاده از این روش هم هیچ ممنوعیتی برای تردد مردم در آن منطقه ندارد.»

در این راستا میخائیل زهری از زیست جغرافی دانان بزرگ می گوید: اگرچه سالهاست دست اندرکاران وعده فروکش کردن ریزگردها را می دهند ولی اوضاع هر سال بدتر و بدتر می شود. دلیل آن ساده است: درمان بیماری ریزگردها را به دست کسانی می دهند که خود عامل این فاجعه‌اند. دولت به جای آنکه از مهندسان وزارتخانه نیرو راه حل مشکل را جست و جو کند، باید دست آنان را از دخالت بیشتر کوتاه کرده و در اقدامی جدی و انقلابی آنها را مجبور به اصلاح اشتباهات خود، یعنی برداشتن سازه‌های بزرگی کند که راه آب را به دشت خوزستان سد کرده‌اند. بقای سرزمین خوزستان فقط به بازگشت سیلاب های طبیعی وابسته است.

حرف آخر

رهبر انقلاب در ابتدای درس خارج فقه خود مورخ ۲ اسفند ۱۳۹۵ بیان کردند: «مسئولان وظیفه دارند که به این مشکلات رسیدگی کنند و اگر کسی به فکر مردم باشد، نمی تواند در مقابل مسائل دشوار خوزستان راحت بماند و این وظیفه قطعی و فوری و همیشگی است که به فکر مردم باشند.»

ادامه از صفحه اول

یکی از سوالات اصلی مردم خوزستان از متولیان دولت این است که اگر مهار کانون‌های گرد و غبار یک ماه بیشتر زمان نمی برد، چرا تا کنون اقدامی صورت نگرفته تا وضعیت خوزستان به این حد از بحران نرسد؟

طبق آمار بیش از ۶۰ درصد آلودگی هوای اهواز مربوط به صنایع و تاسیسات نفتی است و آماک (جمع آوری گازهای همراه نفت) می تواند بخش قابل توجهی از آنرا کنترل کند. رسول راکی پور رئیس پالایشگاه شیرین سازی کارون بیان داشت: «تاکنون چندین بار برای افتتاح طرح آماک وعده داده شده اما عملی نشده است.»



یکی از طرح های دولت طی سفر اخیر رئیس جمهور به خوزستان، افزایش تعداد مقره‌های برق است که بالغ بر ۱۰۰ میلیارد تومان هزینه در پی دارد. البته فناوریان داخلی در حوزه نانو سالهاست برای رخدادی همچون قطعی برق خوزستان راهکار ارائه داده‌اند اما از آنجاییکه مسئولان دولتی حمایت خود را از فناوریان داخلی سلب کرده‌اند، به راهکارهای جوانان کشورمان توجه نکرده و عذاب الهی را علت درد و رنج مردم خوزستان عنوان می کنند!

چه باید کرد؟

بررسی انقلاب‌های بزرگ جهان

دیکتاتوری و تفاوت سطح زندگی مردم با غرب با وجود رفاه نسبی، مخالفین بسیاری به همراه داشت.

در مصر افکار افراطی سلفی محمد مرسی و اخوان المسلمین، خلف وعده آن‌ها و همکاری با اسرائیل و تبعیت از آمریکا برخلاف میل مردم از عوامل انحطاط انقلاب مصر بود.

اما در ایران از همان سال ۱۳۴۱ امام خمینی (ره) با ایدئولوژی برقراری اسلام ناب در جامعه پیش رفتند بطوریکه این اسلام بود که در برابر مشکلات پاسخگو بود و لازم نبود همانند رهبران کمونیستی روسیه در شرایط متفاوت رنگ عوض کند.

حال متوجه شدیم که اتحاد بدون رهبری و رهبری بدون ایدئولوژی درست، دوام نخواهد داشت. چیزی که در تاریخ به وفور شاهدش هستیم. امام (ره) با ایدئولوژی درست و با همت مردم، این انقلاب را با وجود مصیبت‌های فراوان برای تعالی و رفاه مردم هدایت نمودند. اگر تا به امروز عوامل داخلی و خارجی مانع تحقق این مهم شده‌اند دلیل بر نادرست بودن این انقلاب نیست. مقصد درست است راه را بیراهه آمده‌ایم.

رهبری درانقلاب شوروی نقشی نداشت و در واقع لنین (رهبر بلشویک‌ها) از فرصت استفاده کرد و قدرت را بدست گرفت.

در مصر نیز محمد بدیع با وجود رهبری اخوان المسلمین - که بزرگ‌ترین دشمن دولت مبارک بود- رهبری کل انقلاب را به عهده نداشت.

اما در ایران با توجه به جایگاه روحانیت در بین مردم و استقلال اقتصادی این قشر از حکومت و ظهور رهبری از این قشر - که با صلابت تمام، وظایف ۳ گانه ایدئولوژیکی، رهبری نیروهای مبارز و معمار دوران پس از انقلاب را بر عهده داشت- نقطه عطفی در تاریخ ایران بود.

به طبع، ایدئولوژی این انقلاب‌ها تحت تاثیر رهبران آنهاست. در روسیه لنین با افکار مارکسیستی - که بر مبنای نگاه ماتریالیستی و اومانستی بود - سعی در مبارزه با دین را داشت. نامه تاریخی امام به گورباچف چنین است: «جناب گورباچف! باید به حقیقت روی آورد. مشکل اصلی کشور شما مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست، مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن بست کشیده و یا خواهد کشید.» همچنین

زهرا ولی زاده: در شماره قبل، سه انقلاب شوروی، مصر و ایران را از ۴ جنبه اقتصادی، نظامی، حمایت بین‌المللی و سیاسی بررسی کردیم. اکنون ادامه‌ی مطلب را پی می‌گیریم: حال سوالی که مطرح می‌شود این است: نیرویی که قرار است این دژها را مخصوصاً در ایران بشکند چیست؟

پاسخ قدرت اجتماعی است که شامل مردم، رهبر و ایدئولوژی می‌شود. اصولاً فاکتور حضور مردمی مشخص است اما سوال اینجاست که این تجمع مردمی است یا مذهبی؟

در ایران حجم قابل توجهی از این حضور، مذهبی بوده است. چراکه مردم بیش از هر چیزی از بی‌بند و باری و رواج فساد در جامعه، حمایت شاه از صهیونیست‌ها و حضور پررنگ بهائیت در دستگاه حکومتی شکایت داشتند.

در روسیه تجمعات مردمی به دنبال اعتراض طبقه کارگر، سربازان، لیبرال‌ها و صاحبان حرفه‌ی شهری - که به دنبال رفرم قانون اساسی بودند- شکل گرفت.

در مصر نیز به گفته‌ی محمد بدیع (رهبر اخوان المسلمین) این یک تجمع مردمی بود نه مذهبی!

افق

شماره دوم - ۱۵ اسفند ۱۳۹۵

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی تهران

مدیر مسئول: دکتر مهدی باقری

سرمدیر و طراح: محمدحسین علی بیگی

نویسندگان: امین رحمانی - امیرحسین حبیب زاده - محمدرضا رضایی

کانال تلگرامی افق: @ofoghtums

شماره پیامکی: ۰۹۲۱ ۱۰۷ ۷۰۶۸

شما عزیزان می‌توانید با عضویت در کانال نشریه علاوه بر دریافت نسخه رنگی آن، از اخبار و مطالب مهم دیگر نیز بهره‌مند شوید.

